

بررسی نگرش روستاییان حاشیه جنگل نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی (مطالعه موردی استان گلستان)

احمد بادآهنگ گله‌بچه، احمد عابدی سروستانی^۱ و محمدرضا محبوبی

دانشجوی کارشناسی ارشد گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

ahmadbadahang8@gmail.com

دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران. abediac@gmail.com

دانشیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران. mahboobi47@gmail.com

دریافت: مرداد ۱۳۹۷ و پذیرش: دی ۱۳۹۷

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی نگرش روستاییان حاشیه جنگل نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی انجام گردید. تعداد ۳۶۴ نفر از ساکنان روستاهای حاشیه جنگل در هشت شهرستان استان گلستان با استفاده از روش پیمایشی، مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه بود که روایی آن با مراجعه به اساتید دانشگاه و کارشناسان منابع طبیعی و پایایی آن با محاسبه ضریب کرونباخ آلفا مورد تأیید قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که نگرش افراد مورد مطالعه نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی و آمادگی آنان از این نظر، اندکی بیش از متوسط است. یافته‌ها نشان داد که ارتباط معنی‌داری بین سن و سطح تحصیلات با نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی وجود ندارد و زنان و مردان و همچنین افراد مجرد و متأهل نیز تفاوتی از این نظر ندارند. در عین حال، کشاورزان و دامداران بیشترین آمادگی نگرشی برای تغییر کاربری اراضی جنگلی را داشتند و کمترین آمادگی مربوط به افراد دارای مشاغل دولتی بود. به منظور اصلاح نگرش روستاییان نسبت به اراضی جنگلی پیشنهاد می‌شود دانش آنان درباره کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی جنگل‌ها افزایش یافته و با تشکیل گروه‌ها یا انجمن‌های محلی، فعالیت‌های حامی جنگل در بین روستاییان ترویج و توسعه یابد.

واژه‌های کلیدی: نگرش، جنگل، کاربری اراضی، استان گلستان

^۱ - آدرس نویسنده مسئول: گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، گرگان، ایران.

مقدمه

انسان بوده‌اند. یکی از دلایل، پاک‌سازی زمین برای انجام کشاورزی بوده است (چیذری و همکاران، ۱۳۹۰). در گذشته، به دلیل کم بودن جمعیت، این روش می‌توانسته پایدار باشد، اما با افزایش جمعیت و تقاضا برای محصولات کشاورزی، روند تغییر جنگل‌ها به زمین‌های کشاورزی با سرعت هشداردهنده‌ای افزایش یافته و به یکی از نگرانی‌های قابل توجه در سطح دنیا تبدیل شده است (احمدپور و علوی، ۱۳۹۳). این در حالی است که طمع‌ورزی و قانون-گریزی برخی برای کسب سود بیشتر از اراضی جنگلی، نبود قوانین قاطع برای تنبیه متخلفان، درآمد پایین جوامع محلی، سیاست‌های نامناسب دولتی و ضعف مدیریت و کمبود بودجه برای صیانت از جنگل‌ها، نگرانی درباره تغییر کاربری اراضی جنگلی را تشدید کرده است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۵). از موانع موجود برای مقابله با پدیده تغییر کاربری اراضی می‌توان به ناکارآمدی و پراکندگی قوانین، نبود قضاوت ویژه و اطلاع دادرسی اشاره کرد (عباسی، ۱۳۹۵).

در ایران نیز تغییر کاربری و تصرف اراضی ملی و عمومی افزایش نگران‌کننده‌ای یافته است، به طوری که از آن به زمین‌خواری یاد می‌شود. البته این مشکل در بخش کشاورزی نیز وجود دارد و به عنوان دومین مشکل بعد از کم‌آبی محسوب می‌شود (درودیان و درودیان، ۱۳۹۶). تحقیق مهربانی و همکاران (۱۳۹۲) در تنکابن نشان داد که توریستی بودن منطقه و هجوم افراد غیربومی به ویژه پایتخت‌نشینان و به تبع آن، افزایش قیمت زمین، سبب تشدید تغییر کاربری اراضی و تبدیل جنگل‌ها به اراضی مسکونی شده است. البته سواى از عوامل اقتصادی، ناآگاهی جوامع محلی در بروز این پدیده دخالت دارد. برای مثال، مطالعه انجام شده در کلاردشت نشان داد که آگاه نبودن افراد از اثرات تخریب محیط زیست، در گرایش به تغییر کاربری اراضی مؤثر می‌باشد و می‌تواند به گسترش تغییر کاربری اراضی منجر شود (احمدپور و علوی، ۱۳۹۳). برخی محققان بر این باورند که بسیاری از مشکلات مرتبط

تغییر در الگوهای کاربری سرزمین که در سطوح فضایی و در دوره‌های زمانی مختلف رخ می‌دهد، بیانگر تعامل و همچنین تقابل نیازهای همیشگی جوامع انسانی با زمین است. کاربری اراضی به نوع استفاده از زمین گفته می‌شود که دربرگیرنده کاربری‌ها در بخش‌های مختلف می‌شود که به طور معمول دربرگیرنده تمام فعالیت‌های موجود در یک منطقه از زمین مانند تخصیص اراضی به فعالیت‌های کشاورزی، مناطق مسکونی، جنگل، مرتع، معدن، تأسیسات صنعتی و مانند آن است (امیرنژاد، ۱۳۹۲). اگرچه تغییر کاربری سرزمین به طور عمده از عوامل بزرگ‌مقیاس مانند اقتصاد جهانی و اقلیم تأثیر می‌پذیرد، اما تغییرات جمعیتی و سیاست‌های محلی نقش تعیین‌کننده در تغییر کاربری اراضی دارند. روند فزاینده تغییر کاربری اراضی در نتیجه برهمکنش عوامل مختلف مانند سیاست، مدیریت، اقتصاد، فرهنگ، رفتار سازمانی و محیط است (احمدپور و علوی، ۱۳۹۳). تغییر کاربری اراضی می‌باید مطابق با موازین علمی، فنی و محیط‌زیستی باشد و در عین حال از اصول اجتماعی و اقتصادی پیروی نماید (حیدرپورتوتلکه و همکاران، ۱۳۸۸)؛ اما نگرانی عصر حاضر، تغییر کاربری اراضی به صورت غیراصولی و بدون در نظر گرفتن چنین موازینی است. از بین رفتن سطح وسیعی از پوشش جنگلی، فرسایش خاک، تغییر کمی و کیفی آب، آلودگی هوا و تخریب محیط‌زیست، غالباً از تغییر کاربری غیراصولی اراضی جنگلی و بهره‌برداری غلط، ناشی می‌شود. در چنین شرایطی، کاربری پایدار زمین به یک موضوع تحلیلی و سیاسی مهم تبدیل شده است (احمدپور و علوی، ۱۳۹۳).

با وجود این که عوامل بسیاری در تغییر کاربری سرزمین مؤثر می‌باشند، اما دخالت بشر در طبیعت مهمترین عامل است (مهربانی و همکاران، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر، جنگل‌زدایی به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی تغییر بهره‌برداری از زمین معرفی شده است (رحیمیان و همکاران، ۱۳۹۵). البته جنگل‌ها همواره مورد دست‌اندازی مستمر

جنگلی و ارتباط آن با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی آنان انجام گردید.

مواد و روش‌ها

این تحقیق با روش پیمایشی به انجام رسید. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته جمع‌آوری گردید که شامل دو بخش یعنی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی پاسخگویان و همچنین نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی می‌گردید. از آنجا که نگرش دارای سه جزء شناختی، احساسی و آمادگی برای عمل می‌باشد، متناسب با هر کدام از این اجزاء، سوال‌هایی پیرامون تغییر کاربری اراضی جنگلی طراحی گردید. برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شد. بدین منظور از نظرات دو نفر از اعضای هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، سه نفر از کارشناسان اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان و یک نفر کارشناس اداره کل برنامه‌ریزی و آمار استان گلستان استفاده گردید. برای بررسی پایایی، با انجام یک مطالعه راهنما، از آزمون کرونباخ آلفا استفاده شد ($\alpha=0/89$). برای تعیین جمعیت مورد مطالعه ابتدا فهرست روستاهای حاشیه جنگل استان که از نظر اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان گلستان، دارای بیشترین و همچنین کمترین تخریب اراضی جنگلی بودند آماده گردید که در هر گروه، ۱۰ روستا و در مجموع، ۲۰ روستا با جمعیت ۷۰۳۸ خانوار از ۱۰ شهرستان استان را شامل گردید. حجم نمونه مورد نیاز با استفاده از فرمول کوکران برابر ۳۶۴ به‌دست آمد. نمونه‌گیری به روش طبقه‌بندی شده تصادفی انجام گردید. بدین منظور، هر گروه از روستاهای دارای بیشترین و یا کمترین تخریب اراضی جنگلی به عنوان یک طبقه در نظر گرفته شدند. سپس، نیمی از روستاها در هر طبقه برای مطالعه انتخاب شدند که ۱۴۴۳ خانوار در پنج روستای دارای بیشترین تخریب جنگل و ۱۲۴۴ خانوار در پنج روستای دارای کمترین تخریب جنگل در هشت شهرستان

با جنگل‌ها کاملاً به الگوهای رفتاری انسان وابسته است و عوامل روانشناختی مانند نگرش‌ها و نیت رفتاری مردم در تغییر کاربری اراضی جنگلی موثر می‌باشند (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). رابطه بین نگرش و رفتار محیط‌زیستی در تحقیقات بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است و از نگرش‌ها به عنوان پیش‌بینی‌کننده قوی رفتارهای محیط-زیستی یاد می‌شود. نگرش محیط‌زیستی به مجموع احساسات خوشایند یا ناخوشایند نسبت به ویژگی‌های محیط طبیعی یا مسائل مرتبط با آن گفته می‌شود (حیدری-پور توتکله و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین، نگرش حالت آمادگی ذهنی و روانی است که بر اساس تجربه فرد سازماندهی شده و تأثیر پویا و جهت‌داری بر واکنش و رفتار فرد دارد؛ بنابراین، نگرش را می‌توان تمایل به پاسخگویی به یک ایده، اتفاق و یا یک موقعیت به طریق خاص در نظر گرفت. البته نگرش یک سازه فرضی است که به صورت مستقیم قابل مشاهده نیست و بیشتر با بیانات کلامی و رفتاری همراه است (احمدوند و محمدی‌تمری، ۱۳۹۶).

اهمیت نگرش‌ها در رفتارهای محیط‌زیستی تا اندازه‌ای است که برخی معتقدند گذار به پایداری جهانی، نیازمند تغییر در ارزش‌های انسانی و نگرش‌ها است (همتی و شبیری، ۱۳۹۴). با تغییر نگرش، رفتار فرد تغییر می‌کند و با تغییر رفتار فردی، رفتار گروهی تغییر می‌یابد (واقفی و حقیقتیان، ۱۳۹۳). به این ترتیب، با بررسی نگرش‌های محیط‌زیستی می‌توان به این پرسش پاسخ داد که تا چه میزان باورهای محیط‌زیستی موجب بروز رفتارهای متناسب با آن می‌شود (خاکسارمقدم، ۱۳۹۵). البته مطالعات نشان داده است که متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت شغلی، درآمد و همچنین محیط زندگی، به دلیل ایجاد تغییر در نگرش‌ها، نقش اثرگذاری بر رفتارهای محیط‌زیستی دارند (واقفی و حقیقتیان، ۱۳۹۳). با توجه به این موارد، تحقیق حاضر با هدف بررسی نگرش روستاییان حاشیه جنگل نسبت به تغییر کاربری اراضی

استان را شامل گردید. سپس با توجه به تعداد خانوارهای هر روستا و با استفاده از روش انتساب متناسب، تعداد نمونه لازم از خانوارهای هر روستا به صورت تصادفی انتخاب و از هر خانوار انتخابی، با یک نفر از اعضای خانوار که دارای حداقل ۲۰ سال سن بود، مصاحبه به عمل آمد و پرسشنامه با ایشان تکمیل گردید. اطلاعات به دست آمده با نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

نتایج و بحث

تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که از ۳۶۴ نمونه مورد بررسی، ۱۸۲ نفر مرد و ۱۸۲ نفر زن بودند. دامنه سنی افراد بین ۲۰ تا ۶۵ سال متغیر بود و میانگین آن برابر ۳۷/۷ با انحراف معیار ۱۰/۴۳ به دست آمد. بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۲۰ تا ۳۵ سال (۴۱/۸ درصد) و کمترین مربوط به سنین ۴۷ تا ۶۵ سال (۲۲ درصد) بود. همچنین، ۸۰/۲ درصد افراد متأهل بودند. سطح تحصیلات بیشتر افراد مربوط به مقطع اول تا سوم راهنمایی (۲۹/۶ درصد) و کمترین آن مربوط به افراد بی سواد (۷/۴ درصد) می‌گردید.

نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی

نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی با ۲۶ گویه در قالب طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای شامل کاملاً مخالفم با امتیاز (۱)، مخالفم با امتیاز (۲)، نظری ندارم با امتیاز (۳)، موافقم با امتیاز (۴) و کاملاً موافقم با امتیاز (۵) مورد سنجش قرار گرفت. جدول ۱ توزیع فراوانی پاسخ‌های داده شده به گویه‌های این شاخص را نشان می‌دهد. همان‌طور که این جدول نشان می‌دهد، گویه «سطح جنگل‌ها در حال کاهش می‌باشد» با بیشترین

میانگین در رتبه اول و گویه «برای من اهمیتی ندارد که اراضی جنگلی به کاربری‌های دیگر تبدیل شود» با کمترین میانگین در رتبه آخر جای دارد. برای بررسی بیشتر، امتیاز شاخص دیدگاه پاسخگویان نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی محاسبه گردید. بدین منظور، ابتدا امتیاز گویه‌های شماره ۱ تا ۱۲ به نحوی جهت‌دهی شدند تا با بقیه گویه‌ها، هم‌راستا باشند (لازم به ذکر است برای جلوگیری از احتمال پاسخ اریب پاسخگویان، ترتیب و شماره گویه‌ها در پرسشنامه با آن چیزی که در جدول ۱ مرتب شده است، متفاوت بود). سپس جمع نمرات گویه‌ها به عنوان امتیاز این شاخص در نظر گرفته شد. به این ترتیب، امتیاز بالاتر این شاخص، بیانگر نگرش مساعدتر (موافق‌تر) نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی می‌باشد. نتایج نشان داد که امتیاز شاخص نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی از ۲۶ تا ۹۹ متغیر می‌باشد. میانگین امتیاز این شاخص برابر ۵۷/۸۲ و با انحراف معیار ۱۶/۱۷ به دست آمد که بیانگر دیدگاه متوسط افراد مورد مطالعه نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی می‌باشد. برای بررسی بیشتر، اقدام به سطح‌بندی امتیاز نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی با روش 2 ISDM گردید. نتایج این بررسی در جدول ۲ نشان می‌دهد که نگرش ۲۰/۶ درصد افراد در حد ضعیف، ۳۱ درصد در حد متوسط، ۲۹/۲ درصد در حد زیاد و ۱۹/۲ درصد در حد خیلی زیاد می‌باشد. با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که نگرش نزدیک به نیمی از افراد مورد مطالعه (۴۸/۴ درصد) نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی در حد زیاد و خیلی زیاد است. به بیان دیگر، نزدیک به نیمی از روستاییان حاشیه جنگل، نگرش مساعدی نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی داشته و آمادگی کافی از این نظر را دارند.

جدول ۱- توزیع فراوانی گویه‌های مربوط به نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی

رتبه	انحراف معیار	میانگین	گویه
۱	۰/۹۵	۴/۱۷	۱. سطح جنگل‌ها در حال کاهش می‌باشد
۲	۱/۱۲	۴/۱۱	۲. حاضرم در نهال‌کاری جنگل مشارکت داشته باشم
۲	۱/۰۸	۳/۸۰	۳. برای جلوگیری از تغییر کاربری اراضی جنگلی حاضرم به طور داوطلبانه همکاری کنم
۳	۱/۱۹	۳/۹۹	۴. با دیدن اراضی که قبلاً جنگل بوده است افسوس می‌خورم
۴	۱/۲۰	۳/۹۵	۵. یکی از دلایل افزایش سیل در سال‌های اخیر از بین رفتن جنگل‌ها می‌باشد
۵	۱/۲۱	۳/۹۳	۶. جنگل جزء اراضی ملی است و هر گونه تغییر کاربری آن غیر مجاز می‌باشد
۶	۱/۱۶	۳/۹۱	۷. ساخت‌وساز یکی از دلایل کاهش جنگل‌ها می‌باشد
۷	۱/۲۰	۳/۹۰	۸. تغییر کاربری اراضی جنگلی باعث افزایش آلودگی هوا می‌شود
۸	۱/۲۳	۳/۸۹	۹. باید متجاوزان به عرصه‌های جنگلی را شدیداً مجازات کرد
۹	۱/۱۵	۳/۸۸	۱۰. من حاضر هستم به عنوان نگهبان جنگل از تبدیل اراضی جنگلی جلوگیری کنم
۱۰	۱/۰۸	۳/۸۳	۱۱. تغییر کاربری اراضی جنگلی یک مسئله و مشکل مهم می‌باشد
۱۱	۱/۱۰	۳/۸۱	۱۲. تبدیل اراضی جنگلی به کاربری‌های دیگر موجب کاهش آب‌های زیرزمینی می‌شود
۱۳	۱/۲۳	۳/۲۲	۱۳. اگر زمینی در جنگل به من داده شود آن را می‌پذیرم
۱۴	۱/۳۰	۲/۷۲	۱۴. با تغییر کاربری اراضی جنگلی می‌توان سود بیشتری به دست آورد
۱۵	۱/۱۷	۲/۶۲	۱۵. روستاییان حاشیه جنگل هیچ نقشی در تبدیل اراضی جنگلی نداشته‌اند
۱۶	۱/۳۳	۲/۳۳	۱۶. جنگل حق مسلم جنگل‌نشینان است که هر طور بخواهند با اراضی جنگلی رفتار کنند
۱۷/۵	۱/۲۰	۲/۳۱	۱۷. تبدیل جنگل به باغ می‌باید مجاز شود
۱۷/۵	۱/۲۶	۲/۳۱	۱۸. چقدر خوب بود که افراد بدون هیچ مانعی جنگل را تغییر دهند
۱۹	۱/۱۸	۲/۳۰	۱۹. نباید نسبت به افرادی که چاره‌ای جز تبدیل اراضی جنگلی ندارند سخت‌گیر بود
۲۰	۲/۱۹	۲/۲۸	۲۰. استفاده از اراضی جنگلی برای تولید کار درستی می‌باشد
۲۱	۱/۲۴	۲/۲۵	۲۱. اراضی جنگلی می‌باید برای زراعت در اختیار روستاییان قرار گیرد
۲۲	۱/۱۶	۲/۲۳	۲۲. ساخت دامداری در جنگل‌ها می‌باید گسترش یابد
۲۳	۱/۱۹	۲/۱۷	۲۳. بخشی از جنگل می‌باید در بین روستاییان حاشیه جنگل تقسیم شود
۲۴	۱/۲۱	۲/۱۲	۲۴. افراد نیازمند حق دارند که اراضی جنگلی را تصرف و تغییر کاربری دهند
۲۵	۱/۱۷	۲/۱۱	۲۵. بهتر است فعلاً از زمین جنگل هر طور که صلاح می‌دانیم استفاده کنیم. آیندگان فکری به حال خودشان خواهند کرد
۲۶	۱/۱۳	۲/۰۳	۲۶. برای من اهمیتی ندارد که اراضی جنگلی به کاربری‌های دیگر تبدیل شود

جدول ۲- گروه‌بندی افراد مورد مطالعه از نظر نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی

نگرش	دامنه امتیاز	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
ضعیف	۲۶-۴۱	۷۵	۲۰/۶	۲۰/۶
متوسط	۴۲-۵۸	۱۱۳	۳۱	۵۱/۶
زیاد	۵۹-۷۴	۱۰۶	۲۹/۲	۸۰/۰۸
خیلی زیاد	۷۵-۹۹	۷۰	۱۹/۲	۱۰۰

ارتباط نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی با ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

نگرش روستاییان نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی در بین زنان و مردان و همچنین افراد مجرد و متأهل مقایسه گردید. از آنجا که توزیع متغیر نگرش نرمال نبود، لذا از آزمون من-وینتی استفاده شد. نتایج این بررسی در جدول ۳ نشان می‌دهد که نگرش زنان و مردان و همچنین افراد مجرد و متأهل نسبت به تغییر کاربری

اراضی جنگلی، تفاوت معنی‌داری با یکدیگر ندارند. در ادامه، نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی در بین مشاغل مختلف با استفاده از آزمون کروسکال-والیس مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج این بررسی در جدول ۴ نشان می‌دهد که نگرش افراد دارای شغل کشاورزی و دامداری نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی از همه قوی‌تر و نگرش افراد دارای شغل دولتی نسبت به تغییر کاربری اراضی از همه ضعیف‌تر است. به بیان دیگر، کشاورزان و

دامداران گرایش بیشتری برای تغییر کاربری اراضی جنگلی دارند. به منظور بررسی همبستگی سن و سطح تحصیلات با نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی، از ضریب همبستگی اسپیرمن-رو استفاده گردید. نتایج این بررسی

در جدول ۵ نشان می‌دهد که ارتباط معنی‌داری بین سن و سطح تحصیلات روستائیان با نگرش آنان نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی وجود ندارد.

جدول ۳- مقایسه نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی در بین مردان و زنان و افراد متأهل و مجرد

گروه‌ها	فراوانی	میانگین رتبه ای	آماره U	آماره Z	سطح معنی‌داری
مرد	۱۸۲	۱۸۱/۱۶	۱۶۳۱۷/۵۰۰	-۰/۲۴۴	۰/۸۰۸
زن	۱۸۲	۱۸۳/۸۴			
مجرد	۷۲	۱۹۸/۶۵	۹۳۴۹/۵۰۰	-۱/۴۵۴	۰/۱۴۶
متأهل	۲۹۲	۱۷۸/۵۲			

جدول ۴- مقایسه نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی در بین مشاغل مختلف

شغل اصلی	فراوانی	میانگین رتبه‌ای	کای اسکور	سطح معنی‌داری
کشاورز و دامدار	۳۱	۱۷۶/۲۹	۱۶/۶۰	۰/۰۰۱
دولتی	۵۸	۱۱۱/۸۰		
آزاد	۱۵۲	۱۲۸/۹۱		
بیکار	۲۴	۱۵۴/۲۳		

جدول ۵- همبستگی سن و تحصیلات با نگرش نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی

متغیر	ضریب همبستگی (r)	سطح معنی‌داری
سن	-۰/۰۶۷	۰/۲۰۵
سطح تحصیلات	-۰/۰۸۳	۰/۱۱۴

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به یافته‌های تحقیق حاضر می‌توان نتیجه گرفت که نگرش روستائیان حاشیه جنگل استان گلستان نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی رضایت‌بخش نمی‌باشد، به طوری که حدود نیمی از آنان نسبت به تغییر کاربری اراضی، گرایش مساعدی داشتند و در مجموع، این نگرش در حد متوسط قابل ارزیابی بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد چنانچه شرایط برای تغییر کاربری اراضی جنگلی مهیا باشد، از نظر نگرشی با مقاومت زیادی از سوی روستائیان حاشیه جنگل روبه‌رو نخواهد شد. این در حالی است که ایران جزو کشورهای با سرانه جنگل کم می‌باشد و مساحت جنگل‌های کشور نیز رو به کاهش است. همچنین، به دلیل کارکردهای مهم محیط‌زیستی، اقتصادی و اجتماعی جنگل‌ها، هرگونه تهدید و تخریب این منابع، توسعه پایدار کشور را با خطر

مواجه خواهد ساخت؛ بنابراین، لازم است همه مردم و به‌ویژه افراد ساکن در حاشیه جنگل‌ها که به طور مستقیم و مستمر با جنگل‌ها سروکار دارند، از دیدگاه و نگرش مناسبی نسبت به جنگل‌ها برخوردار باشند تا حفاظت مطلوبی از این ذخیره ارزشمند به‌عمل آید. ذکر این نکته ضروری است که نگرش، یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتار با طبیعت و منابع طبیعی محسوب می‌شود و نامناسب بودن نگرش نسبت به جنگل‌ها، زمینه‌ساز بروز رفتارهای ناشایست و مخرب با جنگل خواهد بود. البته همان‌طور که ترکان و کجباف (۱۳۸۷) به آن اشاره کرده‌اند، با افزایش دانش، نگرش فرد نسبت به پدیده مورد نظر بهتر می‌شود؛ بنابراین، می‌توان انتظار داشت با افزایش آگاهی و دانش روستائیان حاشیه جنگل، نگرش مناسب‌تری نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی در آنان ایجاد شود و آنها را به حفاظت از اراضی جنگلی ترغیب نماید. مطالعه

به جنگل به عنوان منبعی برای تأمین علوفه و همچنین، مکانی برای پرورش و نگهداری دام می‌نگرند و از این نظر، تمایل احساسی بیشتری برای تغییر کاربری اراضی جنگلی دارند. نکته دیگر به نتایج مربوط به افراد بیکار برمی‌گردد که آنان بعد از کشاورزان و دامداران، نگرش مساعدتری نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگل داشتند. یکی از دلایل ممکن است این باشد که تغییر کاربری اراضی جنگلی، احتمال ایجاد شغل برای آنان را افزایش می‌دهد، به ویژه این که امروزه بر توسعه گردشگری و احداث مراکز تفریحی در مناطق جذاب از نظر طبیعی، حمایت به عمل می‌آید و مناطق جنگلی از این نظر همواره یکی از گزینه‌ها بوده‌اند. البته مطالعه مطبوعی لنگرودی و همکاران (۱۳۹۱) نشان داده است که تغییر کاربری اراضی (کشاورزی) اثرات منفی بر گردشگری داشته است، اما به افزایش اشتغال کمک کرده است. یافته مربوط به مشاغل دولتی نیز قابل توجه است، زیرا نشان می‌دهد افرادی که از نظر درآمد، وابستگی کمتری به منابع طبیعی دارند، نگرش بهتری نسبت به حفظ اراضی جنگلی دارند. این یافته تائیدی بر اهمیت تاثیر عوامل اقتصادی بر حفاظت از جنگل‌ها است که بسیاری از محققان بر آن تاکید داشته‌اند (ایلدرومی و همکاران، ۱۳۹۴).

پیشنهاد‌های ترویجی

با توجه به نتایج به‌دست آمده از تحقیق حاضر چند پیشنهاد و توصیه ترویجی به منظور بهبود نگرش روستائیان حاشیه جنگل نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی ارائه می‌شود. اول، توصیه می‌شود با تدوین و اجرای برنامه‌های آگاهی‌بخش، سطح دانش و اطلاعات روستائیان نسبت به جنگل و ضرورت حراست و حفاظت از آن ارتقاء یابد. دلیل این توصیه این است که یکی از مولفه‌های تشکیل دهنده نگرش، میزان دانش فرد نسبت به موضوع است. برای این کار می‌توان از رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون و همچنین، از گردهمایی‌ها و مراسم‌های مختلف برای اطلاع‌رسانی به مردم درباره

احمدپور و علوی (۱۳۹۳) نیز تائیدکننده این است که میزان آگاهی افراد در گرایش آنان به تغییر کاربری اراضی و گسترش آن موثر بوده است. همچنین، مطالعه احمدوند و محمدی‌تمری (۱۳۹۶) نشان داد که باور به وجود بحران جنگل‌ها می‌تواند عامل مهمی در نگرش نسبت به مشارکت در حفاظت از جنگل‌ها محسوب شود.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد برخی متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات و وضعیت تأهل، ارتباطی با نگرش افراد نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی ندارند. به بیان دیگر، وضعیت نگرش روستائیان ساکن در حاشیه جنگل، مستقل از متغیرهای یاد شده است و تفاوتی از این نظر در بین روستائیان مشاهده نگردید. با این وجود، شغل افراد توانسته است بر نگرش آنان تاثیرگذار باشد، به طوری که افراد دارای شغل کشاورزی و دامداری، از نگرش قوی‌تر نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی برخوردار بودند و آمادگی ذهنی آنان برای ایجاد تغییر کاربری در اراضی جنگلی از همه بیشتر بود. در مقابل، افراد دارای شغل دولتی، کمترین جهت‌گیری نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی داشتند و بیشتر از سایر مشاغل، حامی حفظ کاربری فعلی اراضی جنگلی بودند. وضعیت فعلی نگرش کشاورزان و دامداران نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی می‌تواند به این دلیل باشد که کشاورزی برای ادامه حیات، به زمین وابسته است و معمولاً کشاورزان مایل هستند برای بهبود درآمد، سطح زیر کشت خود را افزایش دهند. از آنجا که در روستاهای حاشیه جنگل، زمین‌های کشاورزی معمولاً محدود می‌باشد، بنابراین ممکن است کشاورزان به جنگل به عنوان یک منبع برای تأمین زمین نگاه کنند و به همین دلیل، نگرش مساعدتری نسبت به تغییر کاربری اراضی جنگلی داشته باشند. مطالعه انجام شده در اندونزی نیز نشان داد که سرمایه‌گذاری در زمین‌های آبی موجب افزایش تغییر کاربری اراضی (غیر جنگلی) شده است (ریترز و برومر، ۲۰۱۱). این موضوع برای دامداران نیز می‌تواند از این نظر صادق باشد که آنان

آب و خاک) برای کشاورزی و همچنین تلاش در بهبود عملکرد در واحد سطح مزارع و باغات می‌تواند ضمن افزایش درآمد کشاورزان، موجب کاهش انگیزه آنان در دست‌اندازی به زمین‌های جنگلی گردد و بهبود نگرش آنان نسبت به حفاظت از اراضی جنگلی را به همراه داشته باشد. همچنین، پیشنهاد می‌شود با ایجاد شغل برای افراد بیکار و توسعه مشاغلی که به منابع طبیعی وابستگی کمتر دارند، ضمن کاهش فشار بر منابع طبیعی، موجبات بهبود نگرش افراد نسبت به حفظ کاربری اراضی جنگلی و حفاظت بهتر از این منابع فراهم آید.

اهمیت حفاظت از اراضی جنگلی استفاده کرد. توصیه ترویجی دیگر، توجه ویژه به کشاورزان و دامداران است، زیرا این گروه از ساکنان حاشیه جنگل، از نظر نگرشی آمادگی بیشتری برای تغییر کاربری اراضی جنگلی داشتند. این در حالی است که این قشر از روستاییان به دلیل نوع ابزار و روش‌های مورد استفاده در حرفه و شغل خویش، از قابلیت بیشتری برای تغییر کاربری اراضی جنگلی برخوردارند؛ بنابراین، لازم است برنامه‌های ترویجی خاص این گروه از روستاییان با هدف ترغیب آنان به حفظ اراضی جنگلی به اجرا گذاشته شود. ارائه دوره‌های آموزشی درباره نقش جنگل‌ها در حفاظت از منابع پایه

فهرست منابع

۱. احمدپور، ا. و ا. علوی. ۱۳۹۳. شناسایی و تحلیل مؤلفه‌های مؤثر در تغییر کاربری اراضی کشاورزی (مطالعه موردی: شهرستان ساری). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۳(۵): ۱۲۰-۱۰۹.
۲. احمدوند، م. و ذ. محمدی‌تمری. ۱۳۹۶. نگرش روستاییان به مدیریت مشارکتی جنگل: مورد روستاهای حاشیه جنگل بخش مارگون، شهرستان بویراحمد. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۳(۱): ۱۷۴-۱۶۱.
۳. امیرنژاد، ح. ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان جهت تغییر کاربری اراضی در استان مازندران، تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۵(۴): ۹۴-۷۹.
۴. ایلدرمی، ع.، ف. قاسمی و ن. بهمنی. ۱۳۹۴. بررسی نقش عوامل اقتصادی-اجتماعی در تخریب زیست بوم جنگل‌های زاگرس (منطقه کاکارضا لرستان). تحقیقات حمایت و حفاظت جنگل‌ها و مراتع ایران، ۱۳(۲): ۱۴۹-۱۴۰.
۵. ترکان، ح.، و م.ب. کجباف. ۱۳۸۷. نگرش چیست؟ فصلنامه توسعه علوم رفتاری، ۱(۱): ۵۴-۴۹.
۶. چیدری، م.، ه. فرهادیان و م. ابراهیمیان. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر تخریب جنگل‌ها و راهکارهای ترویجی مقابله با آن از دیدگاه کارشناسان اداره کل منابع طبیعی استان مازندران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس.
۷. حیدرپورتوتلکه، ز.، ح. شعبانعلی‌فمی، ع. اسدی و ا. ملک‌محمدی. ۱۳۸۸. نقش عضویت در تعاونی‌های جنگل-نشینان در بهره‌برداری از منابع جنگلی غرب استان مازندران. تعاون، ۲۰(۲۱۰): ۱۱۵-۹۱.
۸. حیدری، م.، ح. پوربابایی، و ا. اسماعیل‌زاده. ۱۳۹۴. بررسی تأثیر رویشگاهی و تخریب‌های انسانی بر تنوع گونه‌های گیاهی زیراشکوب خاک در اکوسیستم جنگلی زاگرس با استفاده از تحلیل مسیر. مجله پژوهش‌های گیاهی، ۲۸(۳): ۵۴۸-۵۳۵.
۹. خاکسارمقدم، گ. ۱۳۹۵. بررسی عوامل مؤثر بر الگوی مصرف آب خانوارهای روستایی شهرستان شیروان، استان خراسان شمالی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: احمد عابدی سروستانی، دانشکده مدیریت کشاورزی، دانشگاه علوم کشاورزی گرگان.

۱۰. درودیان، ح.د. و ع. درودیان. ۱۳۹۶. پیامدهای اجتماعی و بوم‌شناختی تغییر بی‌رویه کاربری اراضی کشاورزی. مدیریت اراضی، ۵(۲): ۸۱-۹۷.
۱۱. رحیمیان، م.، ه. ایروانی، خ. کلاتتری و و. اعتماد. ۱۳۹۵. عوامل مؤثر بر بهره‌مندی پایدار از جنگل در بین جنگل‌نشینان استان لرستان. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۷(۳): ۶۸۱-۶۷۳.
۱۲. عباس‌زاده، م.، ح. بنی‌فاطمه، م.ح. علیزاده‌ا قدم و ل. علوی. ۱۳۹۵. تأثیر مداخله‌ای نگرش مسئولانه زیست‌محیطی بر رابطه بین دلبستگی مکانی و رفتار مسئولانه زیست‌محیطی. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۷(۲): ۸۰-۶۱.
۱۳. عباسی، ر. ۱۳۹۵. بررسی عوامل تأثیرگذار در گسترش تصرف اراضی ملی. ارائه شده در: دومین همایش ملی پدافند غیر عامل در بخش کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست با رویکرد توسعه پایدار. مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، ۲۰ آبان، تهران.
۱۴. مطیعی‌لنگرودی، س.ح.، م.ر. رضوانی و ز. کاتب‌ازگمی. ۱۳۹۱. بررسی اثرات اقتصادی تغییر کاربری اراضی کشاورزی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان لیچارکی حسن رود بندر انزلی). پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، ۱(۱): ۱-۲۳.
۱۵. مهربانی، ع.ا.، م. محمدی، م. محسنی‌ساروی، م. جعفری و م. قربانی. ۱۳۹۲. بررسی نیروهای محرک انسانی مؤثر بر تغییرات کاربری سرزمین (مطالعه موردی: روستاهای سیدمحلّه و دراسرا-تنکابن). مرتع و آبخیزداری، ۲(۲): ۳۲۰-۳۰۷.
۱۶. وافقی، ا. و م. حقیقتیان. ۱۳۹۳. بررسی تأثیر سرمایه فرهنگی (بعد نهادینه) بر رفتارهای اجتماعی زیست محیطی با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر شیراز). اقتصاد و مدیریت شهری، ۲(۸): ۶۵-۴۷.
۱۷. همتی، ز. و س.م. شبیری. ۱۳۹۴. تحلیلی بر مولفه‌های ارتقای فرهنگ محیط زیستی (مطالعه موردی: شهروندان شهر شیراز). تحقیقات فرهنگی ایران، ۸(۴): ۱۹۷-۲۱۵.
18. Reetz, S. and Brummer, W.H. 2011. Determinants of land-use change dynamics in the margins of protected forest areas: Evidence from Central Sulawesi, Indonesia. Conference on International Research on Food Security, Natural Resource Management and Rural Development. Zurich, Switzerland.

Survey of Attitudes among Forest Neighboring Rural Communities toward Forest Land Use Change A Case Study of Golestan Province

A. Baadahang Galeh-Bacheh, A. Abedi Sarvestani¹, and M. R. Mahboobi

MSc Student of Agricultural Extension, Faculty of Agricultural Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran. ahmadbadahang8@gmail.com

Associate Professor of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran. abediac@gmail.com

Associate Professor of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran. mahboobi47@gmail.com

Received: August 2018 and Accepted: January 2019

Abstract

This survey was carried out to investigate the attitudes of rural communities living in the vicinity of forest areas toward forest land use change. For this purpose, 364 inhabitants in villages from eight counties in Golestan Province were surveyed. Using the survey method, a questionnaire was prepared and administered as the data gathering tool whose validity was confirmed based on expert judgment by university academics and experts working in the field of natural resources. Its reliability was evaluated against the Cronbach's alpha coefficient. Results revealed that the participants' attitude toward and their readiness for changing forest land use were slightly above average. Moreover, no significant relations could be established between either age or education level and attitude toward land use change. Meanwhile, no differences were detected between sex and marital status with respect to the research question. This is while farmers and livestock growers showed the highest but civil servants showed the least positive attitude toward changing forest land use. Based on these results, a serious need is felt for improving the villagers' attitude toward forest lands. In this regard, their knowledge of the economic, social, and environmental functions of forests needs to be elevated. Local NGOs and associations are recommended to be established in order to promote group activities in support of forests among villagers.

Keywords: Attitude, Forest, Land use, Golestan Province

1- Corresponding author: Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Management, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.